

معنی کلمات درس دوم عربی یازدهم انسانی

شَمَمْتُ: بوییدی (شَمَّ، يَشُمُّ) «إِنْ شَمَمْتُ: اگر بویی»	آتَى: آینده، در حال آمدن
شَهِدَ: عسل	أَحَبَّهُ: یاران «مفرد: حَبِيب»
عَادَى، عَادٍ: دشمن، تجاوزگر «جمع: عُدَاه» = عَدُوٌّ ≠ صَدِيق	أَدْنُو: نزدیک می‌شوم (دَنَا، يَدْنُو)
عَجِبَ: خمیر	أَرْجُو: امید دارم (رَجَا، يَرْجُو)
عَشِيَّة: شامگاه، آغاز شب	أَسْتَعِثُّ: کمک می‌خواهم (اسْتَعَاثَ، يَسْتَعِثُّ)
غَدَاة: صبحگاه، آغاز روز	بَدِيع: نو
فَلَوَات: بیابان‌ها «مفرد: فَلَاه»	بُعْد: دوری ≠ قُرْب
قَدْ تُفْتَشُ: گاهی جستجو می‌شود (فَتَّشَ، يُفْتَشُ)	تَرْضَى: خشنود می‌شوی (رَضِيَ، يَرْضَى)
كَأَس: جام، لیوان	تَشَاءُ: می‌خواهد (شَاءَ، يَشَاءُ) شَاءَ = أَرَادَ، طَلَبَ
مُجَرَّب: آزموده	تَمَرَّرُ: تلخ می‌کنی (مَرَّرَ، يُمَرِّرُ)
مَحَامِد: ستایش‌ها «مفرد: مَحْمَدَه»	تَهَيَّمُ: تشنه و سرگردان می‌شود (هَامَ، يَهَيِّمُ)
مَصَانِع: انبارهای آب در بیابان (معنای امروزی: کارخانه‌ها)	جَرَّبَ: آزمایش کرد (مضارع: يُجَرِّبُ)
مَلِج: با نمک	حَتَّى يَذُوقَ: تا بچشد (ذَاقَ، يَذُوقُ)
مَمْرُوج: در هم آمیخته = مَخْلُوط	حَلَّتْ: فرود آمد، حل کرد (حَلَّ، يَحِلُّ)
نُحْن: شیون کردند (نَاحَ، يَنْوُحُ)	رُفَات: استخوان پوسیده

وَدَّ: عشق و دوستی ≠ عداوة	رَكِبَ: کاروان شتر یا اسب سواران
وَصَفْتُ: وصف کردم (وَصَفَ، يَصِفُ)	سَلَّ: بپرس = إِسْأَلَ (سَأَلَ، يَسْأَلُ)
وُكِّنَات: لانه‌ها «مفرد: وُكْنَه»	شَكُوْتُ: گلايه کردم (شَكَا، يَشْكُو) «إِنْ شَكُوْتُ: اگر گلايه كنم»
هَجَرْتُ: جدا شدى، رها ساختى (هَجَرَ، يَهْجُرُ)	

جواب صحيح غلط صفحه ۲۱ عربى يازدهم انساني

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (ص / غ)

۱- تُفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الضُّوءِ فَقَطْ ❌. نادرست

معنى: چشمه‌ی زندگی فقط در نور جستجو می‌شود!

۲- الْمُلَمَعَاتُ أَشْعَارٌ فَارِسِيَّةٌ مَمْرُوجَةٌ بِالْعَرَبِيَّةِ ✅. درست

معنى: ملَمعات اشعارى فارسى هستند كه با عربى آميخته شده‌اند.

۳- يَرَى سَعْدَى اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِوَاءً مِنْ هَجْرٍ حَبِيبِهِ ✅. درست

معنى: سعدى از دورى محبوبش شب و روز را يكسان مى‌بيند.

۴- قَالَ سَعْدَى مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي ❌. نادرست

معنى: سعدى گفته است زمان گذشت و دلم مى‌گويد كه تو نمى‌آيي.

۵- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ الْحَبِيبِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَاباً ❌. نادرست

معنى: حافظ در دورى محبوب، راحتى و در نزديكيش عذاب مى‌بيند (احساس مى‌كند)

جواب صفحه ۲۳ عربى يازدهم انساني

إِسْمُ الْمَفْعُولِ	إِسْمُ الْفَاعِلِ	الترجمة	الكلمة	
✅	—	نزدیک شده	الْمُقَرَّبُ	يُقَرَّبُ: نزدیک می‌کند
—	✅	دانا، داننده	الْعَالِمُ	يَعْلَمُ: می‌داند
—	✅	تولید کننده	الْمُنْتِجُ	يُنْتِجُ: تولید می‌کند

✓	-	آماده شده	الْمُجَهَّز	يُجَهَّزُ: آماده می‌کند
✓	-	زده شده	الْمَضْرُوب	يَضْرِبُ: می‌زند
-	✓	گوینده	الْمُتَكَلِّم	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید

يا صانعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خالقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ .

معنی: ای سازنده‌ی هر ساخته شده‌ای، ای آفریننده‌ی هر آفریده شده‌ای، ای روزی دهنده‌ی هر روزی داده شده‌ای، ای

صاحب هر مال و دارایی

صانع = اسم فاعل

مَصْنُوعٍ = اسم مفعول

خالق = اسم فاعل

مَخْلُوقٍ = اسم مفعول

رازِق = اسم فاعل

مَرْزُوقٍ = اسم مفعول

مالِكَ = اسم فاعل

مَمْلُوكٍ = اسم مفعول

جواب صفحه ۲۵ عربی یازدهم انسانی

ترجم التراكيب التالية.

ساختارهای زیر را ترجمه کنید.

۱- عَلَامُ الْغُيُوبِ :

معنی: بسیار داننده‌ی غیب‌ها

۲- أَمَارَةٌ بِالسَّوَاءِ :

معنی: بسیار امر کننده به بدی

۳- الْأَطْيَارُ الْإِيرَانِيُّ :

معنی: خلبان ایرانی

۴- فَتَاحَةُ الرُّجَا جِهَ :

معنی: در باز کن بطری

۵- أَلْهَاتِفُ الْجَوَالِ :

معنی: تلفن همراه

۶- أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَيِّثُمُ النَّمَارُ :

معنی: سلام بر تو ای میثم تمار

♦ تمرین یک_ الاول

□ عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

جملات صحیح و نادرست را با توجه به واقعیت مشخص کنید.

۱- الرَّكْبُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى الدَّوَابِّ ✓: درست

معنی: اسب سواران (کاروان) گروهی از مسافران هستند که (سوار) بر چارپایان می‌کنند.

۲- غُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الشِّتَاءِ بَدِيعَةٌ خَضِرَةٌ ✗: نادرست

معنی: شاخه‌های درختان در زمستان نو و سبز است.

۳- الْأَعْدَاءُ نِهَايَةُ النَّهَارِ، وَ بَدَايَةُ ظِلَامِ اللَّيْلِ ✗: نادرست

معنی: بامداد پایان روز و آغاز تاریکی شب است.

۴- الْكَأْسُ إِنَاءٌ يُشْرَبُ بِهِ الْمَاءُ أَوْ الشَّائِ ✓: درست

معنی: لیوان ظرفی است که با آن آب یا چایی نوشیده می‌شود.

۵- يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ ✓: درست

معنی: نان از خمیر درست می‌شود.

♦ تمرین دوم_ الثاني

□ ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

عدد مناسب را در دایره قرار دهید. "یک کلمه اضافی"

۱- أَلْوُكْنُهُ = بَيْتُ الطَّيُورِ.

معنی: لانه = خانه پرندگان

۲- الْكَرَامَةُ = شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزُّهُ النَّفْسِ.

معنی: کرامت = شرافت و بزرگی و عزت نفس

۳- أَلْهَجَرُ = تَرَكَ الصَّدِيقَ أَوْ الْمُحِبَّ.

معنی: دوری = وانهادن دوست و یار

۴- أَلرَّفَاتُ (کلمه اضافی)

معنی: استخوان پوسیده

۵- أَلْسَوَارُ = زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.

معنی: دستبند = زینتی از طلا یا نقره در دست زن

۶- أَلْمَلِيحُ = مَنْ يُعْجِبُكَ شَكْلُهُ وَ كَلَامُهُ وَ سُلُوكُهُ.

معنی: با نمک = کسی که چهره و سخنان و رفتارش تو را به تعجب و می‌دارد.

♦ تمرین سوم _ الثالث

■ تَرْجَمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

این احادیث را ترجمه کنید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته شده است.

۱- إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع)

معنی: از دوستی با نادان بهره‌یز زیرا او می‌خواهد به تو سود برساند اما زیان می‌رساند.

الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ: يُرِيدُ، أَنْ يَنْفَعُ، يَضُرُّ

۲- الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الظُّلْمِ وَ الْعُدُوَانِ مُعِينًا عَلَى الْبِرِّ وَ الْإِحْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع)

معنی: دوست کسی است که بازدارنده از ستم و دشمنی و یاری رساننده بر نیکی و احسان باشد.

الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ: عَنِ الظُّلْمِ، عَلَى الْبِرِّ

۳- إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع)

معنی: از دوستی با دروغگو بهره‌یز زیرا او مانند سراب است دور را برای تو نزدیک می‌سازد و نزدیک را برای تو دور می‌سازد.

إِسْمُ الْمُبَالَغَةِ: الْكَذَّابِ

۴- الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي غَيْبِكَ، وَ حَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ، وَ أَثَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع)

معنی: دوست راستگو کسی است که تو را درباره عیبت پند دهد، و تو را در نبودنت حفظ کند، و تو را بر خودش برگزیند (مقدم بدارد)

الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ: غَيْبٍ، غَيْبٍ، نَفْسٍ

۵- مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَلْ فِيكَ شَرًّا، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا. الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع)

معنی: هر کس از برادرانت سه بار خشمگین شود (شد) و درباره تو به بدی سخن نگوید (نگفت) او را برای خودت به دوستی بگیر.

فِعْلُ الْأَمْرِ: اتَّخِذْ

۶- يَا بُنَيَّ، اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَ أَلْفَ قَلِيلٍ، وَ لَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَ الْوَاحِدُ كَثِيرٌ. لَقَمَانُ الْحَكِيمِ

معنی: ای پسر، هزار دوست بگیر و هزارتا کم است، و یک دشمن بگیر و یک دشمن زیاد است.

فِعْلُ النَّهْيِ: لَا تَتَّخِذْ

♦ تمرین چهارم _ الرابع

■ أَكْتُبْ مُتَادِفَ أَوْ مُتَضَادَّ كُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

برای هر کلمه در مقابل آن مترادف یا متضاد بنویسید.

أ. أَرَادَ / قَرُبَ / الدُّكَّانَ / الْوَدَّ / الْغَدَاهُ / الْبُعْدَ / الصَّحْرَاءَ / الْغَدَاهُ / الْحَرْبَ

ب. صَدُوقٌ / قَرَبٌ / مُصَادَقَةٌ / آثَرٌ / مُعِينٌ / سَلَّ / سِعَرٌ / مُفْتَخِرٌ بِنَفْسِهِ / رَفَعَ

ب.	ا.
كَذَابٌ مُّصَدِّقٌ بسیار دروغگو- راستگو	الْأَحِبُّ = الْعَدَاة دوستان - دشمنان
بَعْدَ مِقْرَبٍ دور کرد- نزدیک کرد	الْعَشِيَّةُ = الْعَدَاة شامگاه، آغاز شب - صبحگاه، آغاز روز
مُسَاعِدٌ = مُعِينٌ کمک کننده، یاری‌گر	الْفَلَاةُ = الصَّحْرَاءُ دشت، بیابان
إِنْتَخَبَ = آتَرَ انتخاب کرد	الْحُبَّ = الْوُدَّ دوستی
عَدَاوَةٌ مُّصَادِقَةٌ دشمنی - دوستی	السِّلْمُ = الْحَرْبُ صلح - جنگ
أَجِبْ = سَلَّ جواب بده- سوال کن	شَاءَ = أَرَادَ اراده کرد، خواست
قِيَمَةٌ = سِعْرٌ قیمت، ارزش	الْمَنْجَرُ = الدُّكَّانُ مغازه، دکان
نَزَلَ = رَفَعَ پایین آورد- بالا برد	الْقُرْبُ = الْبُعْدُ نزدیکی - دوری
مُخْتَالٌ = مُفْتَخِرٌ بِنَفْسِهِ خودپسند	دَنَا = قَرَّبَ نزدیک شد، پیش آمد

جواب تمرین صفحه ۲۹ عربی یازدهم انسانی

♦ تمرین پنجم _ الخامس

📖 تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَعَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.
آیات زیر را ترجمه کنید، سپس اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مفاعله، اسم مکان و اسم مضاف را مشخص کنید.

۱ ... -إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

معنی: همانا او یاری شده بود

مَنْصُورًا: اسم مفعول

۲ -إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

معنی: همانا تو بسیار داننده‌ی غیب‌ها هستی

عَلَّامُ: اسم مبالغه

۳ -قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ

معنی: بگو مشرق و مغرب از آن خداست.

الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ: اسم مکان

۴ -إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

معنی: قطعاً خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

الْمُتَوَكِّلِينَ: اسم فاعل

۵ ... -اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

معنی: خدا به آنچه انجام می‌دهید داناتر (آگاه‌تر) است.

أَعْلَمُ: اسم تفضیل

۶ ... -مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

معنی: چه کسی ما را از مرقدمان برانگیخت، این همان وعده خداوند رحمان است و فرستادگان راست گفتند.

مَرْقَدِنَا: اسم مکان / الْمُرْسَلُونَ: اسم مفعول

جواب تمرین صفحه ۳۰ عربی یازدهم انسانی

♦ تمرین ششم _ السَّادِسُ

📖 تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ بَابَ كُلِّ مِنْهَا.

افعال جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس برای هر کدام یک فصل مشخص کنید.

۱ -أُنْشَدْنَا فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِ.

معنی: در صف صبحگاه سرود سرودیم .

باب: أفعال

۲ -سَتَخَرَّجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَةٍ.

معنی: سال بعد از مدرسه‌دانش آموخته می‌شویم .

باب: تَفْعُلُ

۳ -جُنُودُنَا يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ.

معنی: سربازانمان از میهن دفاع می‌کنند.

باب: مُفَاعَلَةٌ

٤- تَنْفَتْحُ الْأَزْهَارُ فِي الرَّبِيعِ.

معنی: شکوفه‌ها در بهار شکوفا می‌شوند.

باب: إنفعال

٥- الشَّرِيكَانِ تَعَامَلَا قَبْلَ سَنَةٍ.

معنی: دو شریک سال قبل باهمدیگر معامله کردند.

باب: تَفَاعُل

٦- يَسْتَخْدِمُ الْمُصْنَعُ عُمَّالًا.

معنی: کارخانه کارگرانی را استخدام کرد.

باب: إستفعال

٧- رَجَاءٌ، عَلِمْنِي الزَّرَاعَةَ.

معنی: لطفاً، به من کشاورزی یاد بده.

باب: تَفْعِيل

٨- أَشْتَغِلُ عِنْدَ أَبِي.

معنی: نزد پدرم مشغول به کار هستم.

باب: إفتعال

جواب بحث علمی عربی یازدهم انسانی

این بخش از کتاب جدید حذف شده اما برای کنکور استفاده می‌شود!

■ أَكْتُبُ حَوْلَ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ.

در مورد یکی از این شاعران ایرانی بنویس.

عربی: مولانا جلال الدین محمد بلخی، المعروف باسم مولانا، كان شاعرًا وفيلسوفًا وعارفًا إيرانيًا كبيرًا. ولد في القرن السابع الهجري في مدينة بلخ وتوفي في القرن الثامن الهجري في مدينة قونية في تركيا. كان مولانا من أعظم الشعراء في العصر الإسلامي وتحظى أعماله، وخاصة شعره العاطفي، بشعبية كبيرة في جميع أنحاء العالم.

معنی: مولانا جلال الدین محمد بلخی، معروف به مولانا، شاعر، فیلسوف و عارف بزرگ ایرانی بود. او در قرن هفتم هجری در شهر بلخ متولد شد و در قرن هشتم هجری در شهر قونیه در ترکیه درگذشت. مولانا از شاعران بزرگ دوره اسلامی بود و آثار او، به ویژه شعرهای عاشقانه او، همچنان در سراسر جهان محبوبیت دارند.